

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Letters & Suggestions

نامه ها و پیشنهاد ها

هیوادوال کابلی

۱۳۰۴۰۹

متصدیان گرانقدر پورتال

"افغانستان آزاد – آزاد افغانستان"

سلام های صمیمانه مرا بپذیرید. از شما به خاطر استقبال گرم و محبت آمیزتان قلباً سپاسگزارم. در مورد جوانان آواره افغان در ممالک مختلف اروپائی که از آنها در نامه ام به شما یادآور شده بودم ، اندک معلوماتی را که فراهم آورده ام (نکات مهم یک گزارش و یاهم ترجمه آن) خدمت تان تقدیم می کنم:

«سنگت» یک گدام متروکی بود که «صلیب احمر» آنرا به مرکز کمک به پناهندگان تبدیل نمود. آن مرکز کمک (سابق) در شمال غرب فرانسه در نزدیکی بندر «کلی» واقع بوده و اکثریت مطلق کسانی را که در آنجا گردآورده شده بودند ، جوانان افغان تشکیل می داد. جوانان مذکور با تادیبه پول گزاف (حدود ده هزار دالر) به قاچاقبر ، با قبول خطرات گوناگون و تحمل رویه حیوان صفتانه از طرف قاچاقبران انسان ، به آنجا رسیده بودند و هدف شان گذشتن از بحیره «مانش» به امید آغاز نمودن یک زندگی مادی خوب و ارسال پول به خانواده های فقرزده شان بود زیرا قرار معلوم ، امکان کارسیاه در انگلستان (تا زمان امکان کارقانونی و رسمی) بیشتر است.

در سال ۲۰۰۸ نیکولاسرکوزی (فعالاً رئیس جمهور فرانسه) که در آنوقت وزیر داخله بود ، امرمسدود نمودن آن مرکز را صادر نمود. از آن زمان به بعد، جوانان افغان چون به صورت غیرقانونی در خاک فرانسه به سر می برند، از ترس پیگرد و دستگیری به جنگلات ماحول پراکنده شده اند. می توان گفت که پناهندگان دیروزی «سنگت» امروز در نوعی زندان «گوانتانامو» بی سقف و بی دیوار از نقطه ای به نقطه ای فرار نمود، پنهان می شوند. هرباری که این جوانان درکوشش خود برای گذشتن به جانب انگلستان ناکام می شوند ، برای «دم گرفتن» خودرا به پاریس می رسانند و در دور و پیش «مرکز خط آهن شرقی» (گگ دو لیست) گشت و گزار می نمایند. بعضی از آنها آرزوی رفتن به ناروی، سویدن و یاهم سویس را دارند.

ترجمه گزارشی از «تونینو سیرافینی» چاپ شده در روزنامه «لیبیر سیون» مؤرخ ۶ اپریل ۲۰۰۹

نزاع مهلك میان پناهندگان افغان در پاریس

همانگونه که قبلاً در «سنگت» (منطقه «په دُکلی») واقع می شد ، در پاریس هم نزاع میان پناهندگان در حال انتظار کم نیست. علت آن فقر و بی سرنوشتی و یا انتقام گیری در موضوع قرض قاچاقبر می باشد. دیروز نزاعی که میان چندین نفر رخداد به خونریزی انجامید: مردی به ضرب کارد در ناحیه سینه به قتل رسیده و یکی دیگر شدیداً زخمی شد. واقعه در منطقه «خط آهن شمال» (گف دُ ناغ) در میدان «ویلمه» (ناحیه ده پاریس) کمی دورتر از جائیکه اطفال بازی می کنند، رخداد. این میدان سبز به وسعت دو هکتار (بیست هزارمترمربع - مترجم) به محل تجمع ، دید و بازدید ، قرار ملاقات و بقاء برای جلاوطنان افغان که مؤقناً در پایتخت به سر می برند، مبدل شده است. همه آنها هوای رسیدن به انگلستان را به سر می پروراند ، جائیکه بتوانند به کمک جامعه افغانی مقیم آنجا زندگی نوی را آغاز نمایند ، و یاهم آرزوی رفتن به ممالک سکندیناوی را دارند چون استقبال از پناهندگان و شرایط اقامت در آنجاها بهتر است.

«میدان ویلمه» در نزدیکی «مرکز خط آهن شمال» (که رفت و آمد ریل های شمال اروپا از طریق آن صورت می گیرد) واقع است. از ۲۰۰۲ یعنی از زمانی که «نیکولا سرکوزی» نام ، مرکز «سنگت» را بست ، اقامت در این بخش ناحیه ۱۰ ، قرار گرفته «پیر هانری» رئیس عمومی «فرانس تیر دزیل» («فرانسه سرزمین پناه دهی» - مترجم) ، می تواند «بین چند روز تا چند ماه» باشد. موجی از جلاوطن می آید و موجی ناپدید می گردد ولی به صورت ثابت قریب به سیصد افغان را در آنجا می توان یافت.

شاروال ناحیه ۱۰ پاریس - ریمی فیرو - از حزب سوسیالیست اظهار می دارد: «از سال ۲۰۰۲ به اینطرف ما اختلاف نظر مهمی با دولت داریم. ما می گوئیم که باندهای قاچاقبران که به استعمار این پناهندگان می پردازند بایست سرکوب و مجازات شوند و خود پناهندگان که در شرایط بسیار بدی بقای خود را تأمین می کنند ، از طرف دولت کمک شوند. اما حکومت یا موضوع را دست کم می گیرد و یاهم به کلی آنرا اغماض می نماید. بقای روزانه آوارگان از برکت شوربای خیراتی و دیگر خیریه های «ایمه ووس» (مؤسسه خیریه با منشأ مذهبی - مترجم) یا «فرانس تیر دزیل» تأمین می شود.»

فشرده ای از یک گزارش دیگر

پاریس ۸ اپریل ۲۰۰۹ آژانس فرانس پرس

چند هزار نفر در نود شهر فرانسه به جواب فراخوان «کولکتیف دیز اسوسیه سیون» (اتحاد انجمن ها - مترجم) که «ایمه ووس» ، «سمید» و «آل. دی. آس.» جزء آن بودند گردهم آمدند تا از دولت تقاضا نمایند که آنهایی را که به اشخاص بدون جواز اقامت کمک می نمایند ، مجرم شناسند و کمک شان «جرم همبستگی» تلقی نشود. «اگر همبستگی جرم باشد ، ما تقاضا داریم که به همین جرم مورد پیگرد قرار گیریم» شعاری بود که رضاکاران و اعضای انجمن های فعال در زمینه کمک به پناهندگان در پاریس در میدان «سن میشل» (ناحیه ۵) و هم در شهرهای مرسه ، لیون ، بوردو ، ستراسبورگ ، تولوز ، لیل و نانت فریاد می زدند.

در رابطه با این گزارش آخر باید روشن ساخت که حکومت فرانسه به اساس ماده قانون که در پائین دیده می شود ، هرگونه کمک مستقیم و غیر مستقیم به اشخاص بدون جواز اقامت را جرم می شمارد:

En vertu de l'article 622-1 du code de l'entrée et du séjour, "toute personne ayant, par aide directe ou indirecte, facilité ou tenté de faciliter l'entrée, la circulation ou le séjour irrégulier d'un étranger en France" est passible de cinq ans d'emprisonnement et de 30 000 euros d'amende...

ترجمه:

به اساس ماده ۶۲۲ - ۱ قانون ورود و اقامه ، «هر فردی که با کمک مستقیم یا غیرمستقیم ، ورود ، گشت و گزار و اقامه غیرقانونی یک تبعه خارجی را در فرانسه تسهیل نموده ویا در صدد تسهیل آن باشد» به پنج سال حبس و مبلغ سی هزار یورو جریمه نقدی محکوم خواهدشد...

متصدیان ارجمند پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان!"

طوری که مشاهده می فرمائید ، تشریک مساعی و بسیج نیروها در جهت کمک با جوانان تیره بخت افغان در ممالک اروپائی ، و درین مورد مشخص در فرانسه با غلبه نمودن بر انواع موانع همراست. رژیم فاشیستی فرانسه با تهدید اتباع آن کشور به مجازات ، جوانان آواره افغان را از جامعه فرانسه تجرید نموده و از آنها «جذامی» های عصر حاضر ساخته است. از جانب دیگر، همانطوری که امریکا و متحدینش عمداً هر مخالف اشغال افغانستان و مبارز مسلح در افغانستان را «طالب» وانمود می کند ، دولت فرانسه هم قاچاقبرانسان و افراد خیرخواه را با هم خلط نموده ، در قسمت قاچاقچرچشم می پوشد و فقط آنهایی را که از روی احساس بشری و نوع دوستی می خواهند به آن جوانان کمک مادی یا اخلاقی برسانند ، با مجازات قانونی تهدید می کند.

ضرورت به تأکید خواهد بود که معضله از خود افغانستان ریشه می گیرد و با آن بایست به صورت «وقایوی» برخورد شود یعنی اینکه مقامات رسمی کشور مانع از آن شوند که جوانان کشور حیات خود را به خطر انداخته و بعد از صدها بدبختی و بیچارگی بالاخره در ممالک پیشرفته غربی - در «بهشت مصرف و استهلاک» - مانند «خزندگان» و «حیوانات مودی» در جنگلات به سر برند. ولی پرواضح است که از یک دولت دست نشانده که بادرانش با قوای مسلح شان عملاً برجان و مال مردم هرروز می تازند نمی توان انتظار رویه انسانی و بشردوستانه را در قسمت جوانان آواره داشت. دولتی که بر برادر رئیس آن ظن قوی قاچاق مواد مخدر از دیرزمانی موجود باشد، چگونه با قاچاق انسان مبارزه خواهدکرد؟

زمانی هم که معضله به فاجعه مبدل شده و در بیرون از کشور مزمین می گردد ، برخورد «معالجوی» لازم می افتد یعنی اینکه سرنوشت آن جوانان نگون بخت به شکل انسانی آن مطرح شود. ولی درینجا هم بخت با آنها یاری ننموده قربانی سیاست های پناهندگی کشورهای غربی می شوند که فقط برای «جذب» نیروی کار دلخواه و مناسب به

ضرورت خودشان و عملاً برای «دفع» هر آن فردی که از کیسه شان باید کمک شود ، وضع گردیده اند. و واضح است که پناهنده کشورهای کم رشد اروپا را برپناهنده جهان سوم - بدون اعتراف صریح به این موضوع - رجحان می دهند.

حال اگر دامهای «قانونی»ی را که این ممالک (مثال فرانسه) برای کمک کننده به پناهندگان آواره گسترده اند در نظر بگیریم ، اکسیون های عملی را به نفع جوانان آواره نهایت پرخطر می سازد. بدین معنی که دولت فرانسه وانمود می سازد که در میان جوانان بی سرنوشت ، قاچاقبران انسان هم می خزند که با شبکه هائی ارتباط دارند و از بین جوانان برای خود مشتری جلب می نمایند و یا تازه واردین را بدانجا می آورند. گرچه قبول این ادعا مشکل است، رد کامل آن هم مشکل است. بهره برداری که حکومت فرانسه و حکومت های همسان آن می کنند ، همانا پخش شک و تردید در بین مردم ، مشکوک وانمود کردن هر فرد خیر خواه که به نفع آن جوانان آواره وارد کدام ابتکار عمل شود و در نتیجه توجیه قوانین تبعیضی شان می باشد. در هفته گذشته در فرانسه خانم شریفی را که با مصاف دادن به قانون غیر انسانی دولت فرانسه به آوارگان کمک می کرد ، پولیس بازداشت نمود. وقتی وی را رها نمودند ، در برابر کمره تلویزیون می گریست و گفت که در موقع تحقیق تازه ملتفت شدم که بر تلفون منزلم از ماهها بدینسو استراق سمع صورت می گرفت زیرا همه آنچه را ضبط نموده بودند، به من شنواندند.

آن چه باقی می ماند ، تلاش های تبلیغاتی برای روشن نگهداشتن ذهنیت عامه است که اکثر سازمانهای بشری و افراد بشردوست متأسفانه در برابر همین یک بدیل قرار دارند و تلاش ما و شما هم از همین زاویه ممکن خواهد بود. تبلیغات ، اعتراضات و اکسیون های جمعی می توانند به فشار بالای ارگان های رسمی و قضائی مبدل شده در نهایت کاری را به نفع آن جلاوطنان به پیش ببرند ولی اینکه آن کار مثبت چه زمان ممکن شده و تأثیر آن به چه پیمانه خواهد بود ، دشوار است در حال حاضر به آن پاسخ گفت.

به نظر من در حال حاضر چند نکته برای ما می تواند ممد باشد:

در قدم اول ، جمع اوری معلومات و انتقال آن به شما و رسانه هائی که شما همکار تشخیص می دهید. بعداً شناسائی آنده حقوقدانان افغان (یا غیر افغان) مقیم غرب که بتوانند درین رابطه با حس وطن دوستی و انسان دوستی رضاکارانه کمک نمایند. و بالاخره جلب حمایت و همکاری افغانان شریفی که در ممالک مربوطه یعنی کشورهای که در آنجا جوانان ما آواره هستند ، از طریق پخش اعلامیه و فراخوان تا با کمک و همکاری مؤسسات بومی که در آن کشورها قبلاً به دفاع از حقوق آوارگان پرداخته اند ، تظاهرات مشترک راه اندازند.

البته نظرات و پیشنهادات شما نکات بالا را می توانند اصلاح و تکمیل نموده طریق رسیدن به یک راه حل را بهتر ترسیم نمایند. تا جائیکه به من ارتباط می گیرد ، من مترصد معلومات تازه در زمینه بوده و به شما ارائه خواهم نمود.

به امید بهروزی جوانان معصوم و آواره افغان!

یادداشت:

هموطن نهایت عزیز و گرامی آقای "هیواد وال" سلام ها و احترامات متصدیان پورتال را پذیرفته ، امید است در کمال صحت و سلامت به پیکار انسانی تان ادامه دهید.

هموطن عزیز، ما گزارشات ارسالی تان را همانطوریکه فرستاده بودید - امید امتنان ما را از آن بابت قبول نمائید- انتشار دادیم، می توانید مطمئن باشید تا آنگاهیکه در این زمینه شاهد مقصود را در آغوش نگرفته ایم هیچ چیزی نمی تواند مانع ابراز همبستگی ما با قربانیان جنگهای سه دهه اخیر من جمله مهاجمان دد منش ناتو گردد. ما ضمن آنکه پیشنهاد های شما را که از یک سو در بطن قضایا قرار دارید و از جانب دیگر خوشبختانه در جمع انسانهای "به من چه!" نیستید و با احساس مسئولیت انسانی به فکر کمک به هموطنان تان بر آمده اید، ارج می گذاریم؛ تلاش خواهیم کرد تا این قضیه هر چه گسترده تر و در طیف های وسیعتری انتشار یابد.

ما به محض دریافت نامه شما بدون فوت وقت آنرا به آدرس چندین نهادیکه کمک به پناهندگان را در سطح جهان وظیفه خویش قرار داده اند، فرستادیم؛ و از آنها تقاضای کمک نمودیم. شما می توانید مطمئن باشید که به نوکران سی. آی. ای. در فرانسه این اجازه را نخواهیم داد تا فرزندان میهن ما را در درون جنگلات و به دور از انظار انسانهای آزاده رانده، یک یک شکار سیستم درنده خویش نماید.

از آن گذشته امیدواریم با گزارش های مرتب شما بتوانیم این قضیه را در داخل افغانستان بین مردم برده از آن طریق در حد توان به بسیج خانواده های آن قربانیان دست یابیم. ما را عقیده بر آن است که در کنار کار و مبارزه در عرصه جهانی، بسیج خانواده های آنها در داخل افغانستان آنچنان ضربت کارساز است که دولت فرانسه خواهد توانست مقابل آن ایستادگی نماید.

در پاسخ به نامه قبلی تان نیز در رابطه با موضع پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" در همچو زمینه ها نگاشته متذکر گردیدیم، که پورتال ما بدان خاطر به وجود نیامده که با نشر یکی دو مقاله بدون ویراستاری آنهم با هزار و یک کاستی املائی، باد به غیغ انداخته برای خود کلاهی از نم تاراج افغانستان مهیا سازد. این پورتال به منظور مبارزه به خاطر احقاق حق مردم افغانستان در تمام زمینه ها به وجود آمده و بنا بر علت وجودی خود، تنها با پخش اخبار و گزارشات وظایف خویش را خاتمه یافته تلقی نمی کند، بلکه این را وظیفه خود می داند تا در تمام ساحات در کنار مردم خود ایستاده ضمن ایفای نقش یک رسانه خبری زنده و پویا، در حد توان به سازماندهی مبارزاتی مردم خویش نیز کمک نماید.

ما را عقیده بر آن است که هرگاه ما و شما خواننده عزیز و گرامی و سایر خوانندگان و همکاران پورتال بتوانیم یک میکانیسم درست ارتباطی بین خود و قربانیان تجاوزات و جنایات سه دهه اخیر در شمال غرب فرانسه قایم نمائیم، پورتال قادر خواهد شد به کمک خوانندگان و همکاران قلمی خود در داخل افغانستان، به بسیج خانواده ها نیز موفق گردد. ما حاضریم در این رابطه هر سهمی را که جنبش بر دوش ما می گذارد، بردوش گیریم.

آرزومند موفقیت و کامگاری تمام وطنپرستان

پورتال AA-AA